

نشانی عهد و وفایتست در تبسم گل
بنال بلبل بی دل که جای فریادست

صفحات: ۱۲ | مدیر: علیرضا پهلوانی

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۳۰۵۴۴۴
تلفن: ۰۲۰-۲۲۰۳۰۰۰ | فکس: ۰۲۰-۲۲۰۳۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۳۳۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۰۲۰-۲۸۰۷۵۰۰۰
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
تلفن توزیع: ۰۲۰-۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن اشتراک: ۰۲۰-۶۱۹۳۳۱۱۴

ایرانشهر:
مدیر: زهرا عباسی
تندیس: ...
مدیر: سعید محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: سعید فروزی
مدیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
مدیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
مدیر: محمدعلی حلیمی

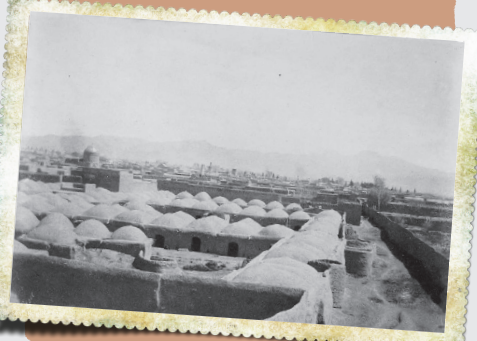
سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
شورنگار:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسوی پور
تماشاگر:
مدیر: امیرمحمد یعقوب پور
مدیر: لیلی فرسند

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیر: دریا نیال معمار

معاون سردبیر:
شهرام فرهنگ، علی عمادی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

تهران مصور

نخستین عکس‌های تهران

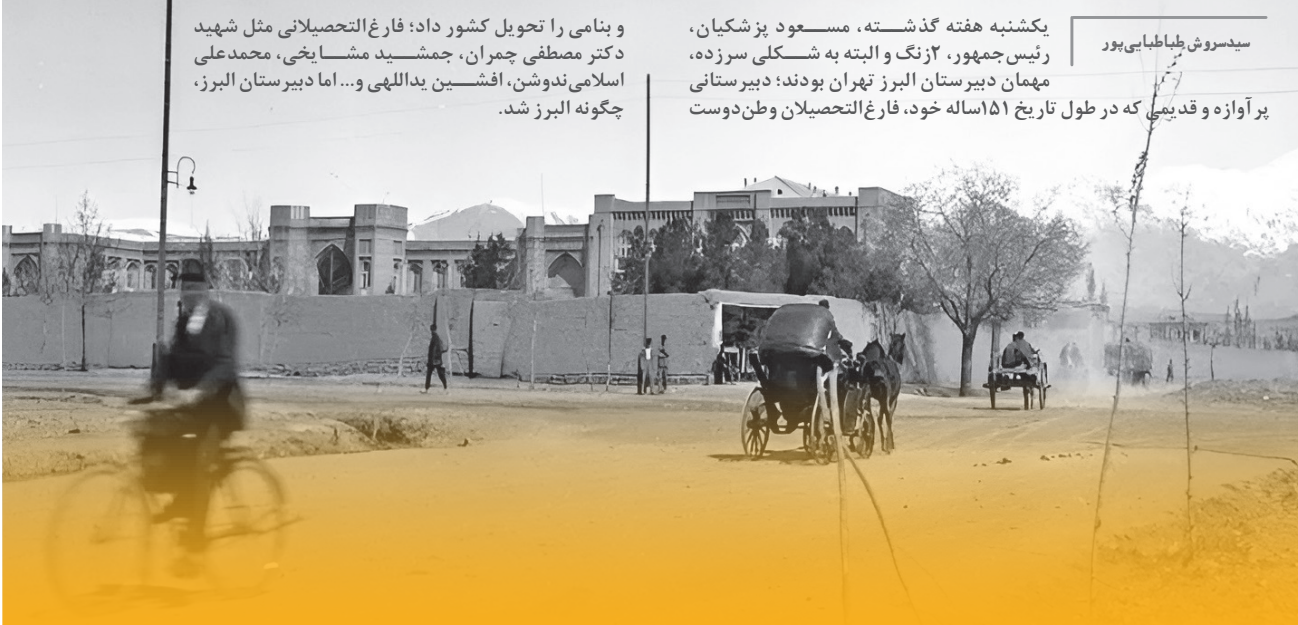


تصاویری بی‌شماری از پایتخت ایران وجود دارد که با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی می‌توانید ببینید، اما شاید ندانید که نخستین عکس از تهران را چه کسی به ثبت رسانده است. نخستین عکس تهران را جوانی ایتالیایی که افسری نظامی بود، ثبت کرد. عکس‌های لوئیجی پشه (Luigi Pesce) جزو نخستین و دیدنی‌ترین عکس‌هایی است که از بناها و مردم پایتخت گرفته شده.
لوئیجی از اهالی ناپل بوده، جوان ۲۳ ساله‌ای که به تهران آمد و از همان ابتدا وارد مدرسه دارالفنون شد تا به جوانان همسن و سالش مشق نظام بیاموزد. آن روزها حداقل یکی از افسران نظامی که از اروپا به ایران می‌آمدند، با فوت‌وفن عکاسی آشنا بودند. عکاسان نظامی از بلاد شرق عکاسی می‌کردند و عکس‌ها را به غرب می‌فرستادند. لوئیجی عکاسی غیر حرفه‌ای بود که با فرهنگ شرقی آشنا بود و زبان فارسی را خوب صحبت می‌کرد. همین باعث شده بود بتواند با ایرانی‌های درباری و مردم کوچه و بازار ارتباط خوبی بگیرد و این ارتباط برای ثبت احوال مردم و بناها و معماری فرصت خوبی به عکاس می‌داد.
عکس‌هایی که لوئیجی پشه بین سال‌های ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۳ شمسی از اماکن تاریخی گرفت از گران‌بهارترین گنجینه‌های تصویری تاریخ ایران است. او نخستین آلبوم‌ش را سال ۱۲۳۴ به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد. هر چند آلبوم دیگری نیز به اروپا فرستاد که جزو نخستین تصاویری بود که اروپاییان از ایران و ایرانی‌ها دیدند. عکس‌هایی که لوئیجی از ناصرالدین‌شاه جوان ثبت کرد و تاجر او در این حرفه باعث شد که شاه قاجار دستور دهد پشه، آلبومی از اماکن تاریخی تهران و ایران تهیه کند. او نخستین عکاسی بود که وارد تخت جمشید شد و عکس‌های ماندگاری ثبت کرد. عکس‌های او از تهران و دروازه‌هایش و همچنین حرم امام رضا (ع) جذاب و دیدنی است. عمر لوئیجی پشه کوتاه بود. او بر اثر بیماری در روزهای پایانی دهه سوم زندگی‌اش، یعنی در آذر ۱۲۴۳ درگذشت و در قبرستان مسیحی‌های تهران، قبرستان دولاب به خاک سپرده شد.



قله دانش تهران

درباره دبیرستان البرز که نقش پررنگی در تربیت چند نسل از دانشمندان ایران داشته است



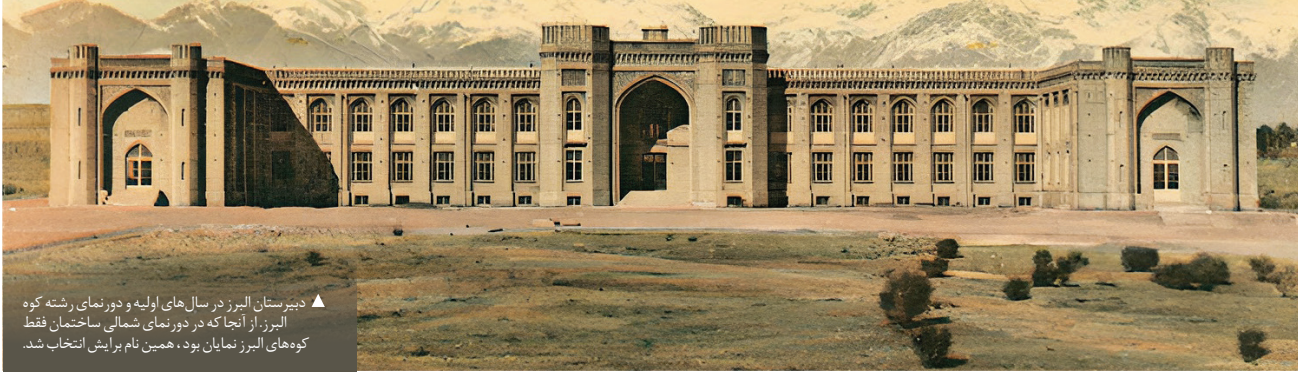
یکشنبه هفته گذشته، مسعود پز شکبان، رئیس جمهور، زنگ و البته به شکلی سر زده، مهمان دبیرستان البرز تهران بودند؛ دبیرستانی پر آوازه و قدیمی که در طول تاریخ ۱۵۱ ساله خود، فارغ‌التحصیلان و وطن‌دوست

سیدسروش طباطبایی پور
بنامی از کالج و چهارراهی که به نامش گذاشته شده، جایی که تقاطع خیابان حافظ و خیابان انقلاب است

در سال ۱۲۴۹ شمسی و همزمان با سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، یک گروه از مبلغان کاتولیک آمریکایی به ایران سفر کردند و در ساختمان آتایک در خیابان لاله‌زار فعلی، ساکن شدند و شاید جرقه تأسیس گروه البرز، از همین جمع کوچک زده شد. این گروه ابتدا تنها به آموزش هم‌کیشان خود در تهران اقدام کرد، اما آهسته آهسته، پای دانش آموزان مسلمان هم به این مجموعه باز شد. بعد از بارها تغییر در مدیریت و جابه‌جایی در مکان، دولت ایران در سال ۱۳۰۱، قطعه زمینی را در مکان فعلی مدرسه، در اختیار این گروه گذاشت؛ جایی در تقاطع خیابان انقلاب با خیابان حافظ کنونی. ساخت‌وساز اولیه ۳ سال طول کشید و وقتی در سال ۱۳۰۸، مدرسه از نظر تربیت دانش‌آموز به سطح کالج رسید، مدرسه و چهارراه هم به نام کالج معروف شد. در آن سال‌ها، کالج آمریکایی‌ها حدود ۹۰۰ نفر دانش‌آموز داشت.



البرز این روزها
مدارس دولتی تهران و دیگر شهرها، در کنار افزایش امکانات سخت‌افزاری، از توجه ویژه بر نام‌ریزی و تیروهای انسانی نیز بیشتر برخوردار شوند تا هر کودک و نوجوان ایرانی، در عین عدالت اجتماعی، بتواند با کوشش و تلاش، سرزمینش را آباد کند.
بعد از مدیریت مجتهدی، البته دبیرستان البرز که در سال‌های اخیر به ماندگار البرز تغییر نام یافت، افت و خیزهای فراوانی داشت. اما امکانات سخت‌افزاری مدرسه از قبیل فضاهای آزمایشگاهی، ورزشی و کلاس‌ها، این مدرسه را از دیگر مدارس دولتی تهران تا حدی متمایز کرد. امید است با توجه بیشتر،



دبیرستان البرز در سال‌های اولیه و دور نمای رشته کوه البرز، از آنجا که در دور نمای شمالی ساختمان فقط کوه‌های البرز نمایان بود، همین نام برایش انتخاب شد.

تهران‌گرام

درخت اسرار آمیز شمیران



پیدا کردن درخت داغداغان یا همان درخت «تا» در کوچه‌های شمیران به راحتی گذشته نیست. با وجود این، هنوز هم می‌شود در کوچه‌های تودرتوی اوین و در کوه، کوچه‌باغ‌های اراج و حتی در میان انبوه درختان بوستان قیطریه که از گزند برج‌ها در امان مانده‌اند، چند درخت داغداغان پیدا کرد. درخت تا، داغداغان یا به قول شمیرانی‌ها تا، یا تپک، درختی مقاوم در برابر سرما و کم‌آبی است که زمین‌های سنگلاخی و کوهستانی بهترین مکان برای رشد آن است. این یعنی آبادی‌ها، تپه ماهورها و زمین‌های سنگلاخی دامنه کوه‌های شمیران که امروز به محله‌های شمال شهر تبدیل شده‌اند، پر بود از این درخت خاص که جایگاهی ویژه در فرهنگ عامه شمیرانی‌ها داشت. در روزگاری که هنوز خبری از آبادانی گسترده و کشاورزی فراگیر در اراضی شمیران نبود، درختان داغداغان به کمک کشاورزها آمدند. ریشه‌های جادویی این درختان به دل زمین‌های سنگلاخی زدند تا نخستین قدم‌ها برای کشاورزی و آبادانی در زمین‌های سنگلاخی برداشته شود.



تهران‌نامه



خیابان ترسناک تهران

خیابان ندید در غربی‌ترین بخش یوسف‌آباد که امروز به نام خیابان شهید جهان‌آرا شناخته می‌شود، تا اواسط دوره قاجار یکی از دره‌های مخوف تهران به شمار می‌رفت و به خاطر پرسه گرگ‌ها در این محدوده، به دره گرگی معروف بود. وقتی میرزا یوسف مستوفی الممالک باغ‌های یوسف‌آباد را احیا می‌کرد، دره گرگی هم با خاک و نخاله پر شد و خیابان ندید از اواخر دوره قاجار و ابتدای حکومت پهلوی اول در همان مسیر شکل گرفت. اگر بگوییم ندید یکی از ترسناک‌ترین خیابان‌های تهران در دوره پهلوی اول بود اغراق نکرده‌ایم. شاید به همین دلیل هیچ ملکی در این خیابان خرید و فروش نمی‌شد. زمین‌های خیابان ندید یا همان دره گرگی آن قدر کم ارزش بود که خریدار و فروشنده مجبور بودند از یک قاعده عجیب پیروی کنند. خریدارها در این خیابان سنگ پرتاب می‌کردند و هر جا سنگ فرود می‌آمد به عنوان محدوده ملک شخصی آنها تعیین می‌شد. بنابراین خریداری که ضرب دست و زور بازوی بیشتری داشت زمین بزرگ‌تری را تصاحب می‌کرد.